

# به نام خدا

چاپخانه

شماره هشتم | زمستان ۱۴۰۰

CHAPKHOONEH ART MAGAZINE

## ۱ | نمایشگاه حاضر

Under my skin

مجموعه‌ای که پیش روی شما قرار گرفته، حاصل جست‌وجویی برای یافتن معادل‌هایی برای دل‌مشغولی‌های روانی خویش است. خویشتن‌هنروری که حساس است و در این گوشه از جهان در گذر تاریخ، حیات اجتماعی و فرهنگ توده‌ای که به نحو دیوان‌سالارانه سازمان‌یافته است، فرسوده شده است. هنرمند موضوع مورد مطالعه خود را نه صرفاً امور واقع بلکه معنای امور واقع برای سوژه‌های انسانی قرار داده است، سوژه‌های انسانی که در فرمی زنانه قالب‌گیری شده، در خاورمیانه، در این کوره جهان، ذوب و ریخته‌گری شده و در سیمباده تاریخ پرداخت شده و اکنون حاصل جست‌وجوی خود را در مقابل چشم ناظر معاصر قرار داده است.

به قلم مریم خلیفه

در آثار پیش رویتان بیش از هر چیز تناقض میان احساس تهدید و خلأ زمانه را با جان و شور تن دریافتیم؛ بدن‌ها ملتمس، شرحه شرحه و دل سوخته به نظر می‌رسند؛ پاره‌پاره، فرسوده از جور زمانه، «سرد گشته، سنگ گردیده» و حتی مرده! بی‌جان و جور کشیده به نظر می‌رسند؛ کامل نیستند و تنها تکه‌پاره‌هایی از آنها به‌جامانده، دهان‌ها بسته شده، چشم‌هایی خالی شده، اما در نقطه تماس دست با تن، حضوری انسانی سر برمی‌آورد که گویی از ازل و با ابتناء به حق طبیعی رها و آزاد بوده است؛ از این نقطه این تن‌های متشنج را می‌توان تن عاشقی دید؛ حلاج شاید، آنی قبل از خطور «انا الحق» و یا فرهاد در همان لحظه بحران، خبری به او داده‌اند که با ایجاد شک به حقانیت هستی خویش زمان را در ذهنش شقه می‌کند، در همان لحظه کوتاه آشفتگی فکری، کالبدش شروع به تجزیه و نیست شدن می‌کند، به دنبال فکری تازه می‌گردد تا حفره خالی مانده در ذهن را پر کند، انگشت اشاره هنرمند، این لحظه تعلیق را هدف گرفته است، فرهاد که لحظه‌ای آنچه از پس می‌آید را، تجربه می‌کند؛ منصور حلاج دقیقاً در آن نقطه که در پاسخ عشق چیست گوید: «امروز بینی و فردا و پس فردا، آن روز بکشتند، دیگر روز بسوختند و سوم روزش به باد بردادند.» این جان و نیرویی زنده و از بند استیلای زمانه و نهادها آزاد است.

## ۲ | درباره هنرمند

مریم خلیفه، هنرمند خوش ذوق متولد سال ۱۳۶۷ مرودشت استان فارس است. وی که دوره کارشناسی خود را در شهر نیشابور گذرانده دغدغه‌های ذهنی شخصی و اجتماعی خود را محور جست‌وجوی هنری خود قرار داده و در وهله اول زنان بالاخص زنان دوره خود را و در مرحله بعد افرادی با دغدغه‌های ذهنی مشابه خویش را مخاطب قرار داده است. در این راه وی متأثر از خواب، رؤیا، زندگی و خاطرات شخصی خود به‌عنوان منبع الهام؛ یونگ، مارکس، مسائل خاورمیانه، مذهب و تأثیرات جبری-ژنتیکی به‌عنوان منبع مطالعاتی خود و همچنین از مسائل اجتماعی دوره معاصر، به‌عنوان هنرمندی حساس تأثیر پذیرفته است و در مدت حدود شش ماه، به جست‌وجوی با مهارت مجسمه‌سازی خود جان می‌بخشد.

## x | اعضاء چاپ خونه

صاحب امتیاز: خانه هنر شیراز | موتورخونه  
مدیر مسئول و دبیر هنری: سپهر سیاح | ۴  
سردبیر: شیدا بردبار | ۳  
دبیر پژوهشی: مریم رئیسی | ۱-۲  
ویراستار: مرجان شعائری  
گرافیست: فائزه غیثی  
تصویر: پوریازار

### ۳ | جستاری کوتاه درباره فلسفه هنر

در ادامه بحث در باب نظریات نیچه در مورد موضوع هنر و اخلاق و پیرو آن، به مبحث گزینش از دیدگاه او می‌رسیم که آن را امری ناگزیر و ضروری می‌داند. در امر برجسته‌سازی و گزینش، ناگزیر برخی ارزش‌ها را به دودسته زندگی ساز و ارزش‌های زندگی کش تقسیم می‌شوند؛ اما این ارزش‌ها کدام‌اند؟ نیچه برای پاسخ به این سؤال ارزش‌ها را به دودسته زندگی ساز و ارزش‌های زندگی کش تقسیم می‌کند که البته نوعی تقسیم ثنوی است و نیچه آن را به واسطه ارزش‌هایی مثل: فراوانی و گرسنگی، رشد زندگی و زوال زندگی، قوت و ضعف و سلامت و بیماری توضیح می‌دهد. به این ترتیب هنرمند در گزینش کردن، شکوه و جلال بخشیدن به اشیایی خاص، موضع ارزشی ذاتی خود در مورد زندگی را آشکار می‌کند و این ارزش‌گذاری ذاتی را استحکام می‌بخشد و در مقابل ارزش‌های پست را تضعیف می‌کند. این نوع ارزش‌گذاری وابسته به گزینه ذاتی هنرمند است و پیش از هر چیز متوجه زندگی است؛ پیوند میان هنر و زندگی از منظر نیچه هم از همین مهم نشأت می‌گیرد. بر همین اساس فکری، نیچه نظام اخلاقیات خود را در ذیل دو مقوله طبقه‌بندی می‌کند: اخلاقیات اشرافی (اخلاق سروری) که ریشه در اخلاقیات آری‌گویی به زندگی و خویش دارد؛ این اخلاق تأیید و تجلیل ذات زندگی و در نتیجه نیازمند نمادها و اعمال شکوهمندانه است و نوع دوم اخلاقیات بردگی که از ابتدا بدان می‌گوید نه... و این نه گفتن عمل خلاف آن است، زیرا از نظر نیچه این اخلاق ذاتاً زندگی کش است. نظام‌های اخلاقی برای نیچه حکایت از عمق واقعیت‌های فرهنگی و جهان درون انسان دارد که می‌توان با کاوش در آن‌ها بسیار امور و مسائل را روشن نمود، اما از آنجایی که هنر پدیدارکننده امور تازه و زنده‌ای است که در آن‌ها نوعی قاعده‌مندی حاکم است، قلمرو هنر از قلمرو اخلاق بسیار گسترده‌تر و این هنر است که نشانه نظام روحی روانی بشر است.

به باور نیچه اخلاق دارای شأن عملی است و نظام‌های اخلاقی، معلول مقتضیات و شرایط اضطراری دنیای واقعی بوده است، درحالی که آثار هنری واجد چنین شرایطی نیستند. اگر در هنر الزام و فشاری وجود داشته باشد، صرفاً از ناحیه تخیل است و ایجاب و نفی (امرونی) که بنیاد اخلاقیات است، در آثار هنری به گزینه هنرمند تغییر می‌کند. به بیان نیچه: «هنر به کلی شرم و حیا را فراموش کرده است.» هر اخلاقی متضمن قاعده‌مند کردن رفتار از طریق منع و سرکوب گزینه‌ها است و به همان نسبتی که جوامع بشری نیز پیچیده‌تر می‌شوند، الگوهای سرکوب هم رشد می‌کنند؛ اما در هنر عکس این موضوع صادق است، یعنی همیشه حداکثر گزینه سرکوب نشده، به صورت کاملاً سازگار با عقلانیت، باید مجال بروز بیابد. به نظر نیچه هنر نه تنها اکثر انگیزه‌های انسانی را آشکار می‌کند (زیبایی‌شناسی شامل اخلاق است)؛ بلکه این انگیزه‌ها را مستقیم‌تر و بی‌واسطه‌تر آشکار می‌سازد.

### ۴ | اقتصاد هنر

در ادامه بحث در باب شیوه سرمایه‌گذاری در دنیای رو به پیشرفت هنرهای تجسمی، به این مسئله می‌رسیم که یک سرمایه‌گذار چگونه می‌تواند انتخابی درست و حمایتی به جا و پرسود در بازار هنری داشته باشد؛ البته که امروزه حتی خود هنرمند هم به وسیله ارتباطات جهانی و شبکه‌های اجتماعی با حجم عظیمی از آثار هنری که توسط هنرمندان سراسر دنیا خلق می‌شوند، روبه‌رو است. از این رو با بحران تشخیص مواجه است که تعریفی برای خوب بودن اثر هنری و یا استانداردهای قوی و تثبیت شده‌ای برای گزینش درست میان آثار بیابد؛ اما شاید برای جدا کردن خوب از غیرقابل قبول برای فعالان و هنر آموختگان رشته‌هایی چون پژوهش هنر، موزه، فلسفه هنر، نقد هنر و حتی نشانه‌شناسان کاری بس آسان‌تر باشد؛ بنابراین مجموعه‌داران فعال در حوزه هنرهای معاصر و هنرمندان جوان، می‌توانند با کمک گرفتن از یکی از افراد متخصص، مسیر یافتن هنرمند جسور و خوش‌ایده را با رضایت مندی کامل طی کنند.